

الگوی فرهنگی باید برگرفته از شیوه قرآن و معصومین باشد

اگر الگوی فرهنگی مبتنی بر قرآن و معصومین باشد، منجر به بیداری فطرت و انگیزه های درونی انسان ها خواهد شد. لذا بیشترین تأثیرگذاری را خواهد داشت.

الگو فرهنگی ای دقیق و محکم است که مبتنی بر تعالیم قرآن و آموزه های معصومین (علیهم السلام) باشد. این الگو در واقع روش انبیاء است که انبیاء از دارایی های شخصی افراد استفاده می کردند. یعنی از درون افراد برای رساندن آنها به هدف بهره می گرفتند. چون موجود متحرک و زنده باید یک انگیزه درونی داشته باشد که خودش بتواند خودش را تأمین کند و تا آخر ببرد از بیرون کشیدن، زور گفتن فایده ای ندارد.

در بسیاری از فعالیت های فرهنگی یا مراکز فرهنگی، مربی ها افراد را می کشانند. اثره نمی کنند؛ یعنی آنها را به ذوق و شوق درآوردن، فعال کردن و از قدرت درونی آنها استفاده کردن.

برخی می گویند من باید به زور اینها را دور هم جمع کنم و دین یاد بدهم، یا به زور باید حجابشان را رعایت کنند، به زور باید نمازشان را بخوانند؛ همه اش به زور است. ولی کار پیغمبر این گونه نیست. پیغمبر معجزه اش این است که در چند روز در کمترین زمان امت را می سازد. کسانی که به قول علی (علیه السلام) بدترین غذاها و خشن ترین اخلاق را داشتند. در یک زمان کوتاه به وجودهای شهادت طلب، عاشق خدا و قدرتمند تبدیل شان کرد که نورش تا به امروز هم ادامه دارد. لذا انبیاء از انرژی درونی استفاده می کردند و کمکهای بیرونی شان اندک بود. همان طور یک مادر یا یک پدر می داند فرزند توان راه رفتن را دارد توان ایستادن روی پا را هم دارد توان دویدن را هم دارد فقط با صبر و حوصله شرائط را فراهم می کند تا این خودش بتواند روی پای خودش بایستد بعد از آن دیگر کاری با آن ندارد می تواند روی پای خودش بایستد و حرکت بکند. لذا این کاری است که یک برنامه فرهنگی دقیق علمی و محکم باید داشته باشد.

طرح های فرهنگی بدون درونی کردن معارف دین نتیجه معکوس خواهند داشت

در کار فرهنگی وقتی بی موقع سراغ مردم بروید و به خیلی از کارها و ادارشان کنید بدون اینکه محتوا درونی شده باشد و آن پختگی و بلوغ حاصل شده باشد، فایده ای ندارد. یعنی وقتی حالت درونی در افراد اتفاق نیفتد و فطرت شان فعال نشود و برای مردم به صورت فطری جا نیندازی نمی شود به آنها دستور داد. یک شخص می خواهد با خودش شروع کند اصلاً نباید تعارف کند.

بگو ببین تو خیلی از مسائل برای حل نشده است پدرت و ادارت کرد، مادرت و ادارت کرد، محیط اجتماعی و ادارت کرد، رفتی از یک خانواده ای زن گرفتی که مجبور شدی خیلی چیزها را رعایت کنی به یک خانواده ای شوهر کردی که مجبور شدی حجاب را رعایت کنی ولی خودت که اینها را نمی فهمی خودت که قبول نداری. حالا باید چه کار کنی. بگذار ببینم یکبار می توانم کافر بشوم از اول مؤمن بشوم یا نه بگذار ببینم یکبار می توانم شک کنم از اول درست بالا بیایم یا نه. بروم پیش یک استاد یا نه. اینکه خودم خود به خود اقدام کنم نه این طوری نمی شود. باید بروم پیش متخصص ببینم می تواند یکبار من را خالی و پر کند یا نه.

حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند: دختری که به بلوغ نرسیده و زود شوهرش می دهند (کادوا آن لا یتلّفوا) [روایت مذکور را پیدا نکردیم ولی شبیه آن این بود: «المؤمن مالوف ولاخیر فیمن لا یالف ولا یولف» (کلینی، کافی، ۲/۱۰۲)] این اصلاً نمی تواند عاشق شوهرش باشد الفت گیر نیست. ممکن است بلوغ جنسی پیدا کرده اما هنوز عشق و دلدادگی را نمی داند چیست. لذا بعداً هم که این دختر می رسد دیگر تا آخر عمر نمی تواند با شوهر ارتباط بگیرد. چون از اول ارتباط نگرفته و عاشقش نبوده است. مثل میوه ای است که بی موقع چیده شود. حالا چطوری می خواهی آن را برسانی! دیگر نمی رسد و یا اگر بخواد برسد مشکل پیدا می شود نه اینکه نرسد خیلی سختی ها دارد تا بخواد برسانیش.

مودت یعنی فداکاری عاشقانه برای طرف مقابلت حاضر باشی جانت را پای همسرت بریزی حاضر باشی، به خاطرش درد بکشی، به خاطرش رنج بکشی، فداکاری کنی. در ازدواج دختر یا پسر باید رشیده باشد یعنی پسر بداند ازدواج یعنی چی، همسر یعنی چی، آن سه مهارتهای؛ اقتصادی، عاطفی و مهارتهای معنوی را هم بداند چیست. رشد عقلی

خیلی مهم است. در فقه از شرایط ازدواج رشید بودن عنوان شده است. نه فقط بالغ باشد چون بالغ شد الان نه سالش است برویم شوهرش بدهیم این الان نمی داند شوهر چیست.

دخترها ازدواج کردند هفده سال شانزده سال بالغ نبوده و در خانه هم شرایطش فراهم نبوده بعد شوهرش دادند. الان با شوهر سر مزه، سر لباس، سر مهمانی ... با هم دعوا دارند

یک کسی هم هفده سالش است کاملاً می تواند شوهرداری خوب کند؛ رشد جنسی، رشد عاطفی، رشد عقلی و رشد معنوی دارد ولی خودش را رسانده است. و این بسته به تغذیه است. تغذیه را هر چقدر زودتر انجام بدهید بلوغ زودتر اتفاق می افتد.

کشف رابطه وجودی و مودتی با امام معصوم منجر به برقراری شناخت ارتباط با مردم است

بعد از ارتباط با معصوم، سه نوع نگاه در رابطه با مردم در وجود انسان کشف می شود:

۱. اولین نوع نگاه به مردم این است که «او خود تو هستی». یعنی همه همجنس من هستند؛ نه از نظر جنسی و بدنی بلکه از نظر نفسی همه خواهر برادرهای من هستند و اصلاً خواهر برادری وجود ندارد.

۲. دومین نگاه، در برخورد با مردم، «او رسول الله» است.

۳. سومین نگاه این است که در برخورد با مردم «او خداست». لذا همه را باید با این حرمت نگاه کنید. «هو انت، هو رسول الله، هو الله» وقتی یک نفر را نگاه می کنی با یک نفر داری حرف می زنی باید حواست باشد حرمتش حرمت الله است که «الْمُؤْمِنُ أَكْبَرُ حُرْمَةً مِنَ الْكَعْبَةِ» [حدیث از امام صادق علیه السلام، الخصال، جلد ۱، صفحه ۲۷] هر کاری با او بکنی با پیغمبر کردی خوب یا بد و هر کاری با او بکنی با خودت کردی. هر کاری با بنده خدا کنی با خود خدا کردی، اگر خنداندهی خدا را خنداندهی و اگر گریاندهی خدا را گریاندهی اگر به او احترام گذاشتی به خدا احترام گذاشتی و اگر تحقیرش کردی ضایعش کردی به خدا تو هین کردی.

بعد از رابطه وجودی، رابطه مودتی است. در رابطه مودتی دیگر نمی توان با مردم اینطوری رفتار کرد. بلکه؛

۱. باید دوستشان داشته باشی و عین خودت دوستشان داشته باشی.

۲. مثل رسول الله دوستشان داشته باشی.

۳. به حرمت الله مردم را دوست داشته باشی. لذا فرمود: «الْوَدُّ إِلَى النَّاسِ نِصْفُ الْعَقْلِ» نصف عقل دوستی مردم است. [حدیث از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، الکافی، جلد ۲، صفحه ۶۴۳]

اینکه انسان بتواند مردم را دوست داشته باشد، ناس را دوست داشته باشد، اینکه دل بریزد پای مردم اینکه بدی های مردم را نبیند قشنگی ها کمالات الهیت شان را ببیند و خدمت بکند به مردم. لذا ناس برای خدا عزیز هستند که عزیزترین کسش پیغمبر را می فرستد، می گوید حتی کشتندت بگذار بکشندت چقدر پیغمبر فرستاد، عزیزترین کسانش را فرستاد و کشته شدند و خدا می گوید می ارزید وقتی تو این را می فهمی دیگر از کار کردن برای مردم ناراحت نیستی مردم را هم تحقیر نمی کنی مردم را کوچک نمی شماری و خودت را هم بهتر از مردم نمیدانی و خیلی اتفاقات قشنگ دیگر می افتد. و مرحله سوم این است که مردم همان تو هستند و در هدف خلقت با تو مشترکند همه مردم حق دارند به آرمان عظیم خلقت شان برسند همه مردم قیمتی هستند و به بلندای ابدیت مثل تو قیمت دارند.

خودشناسی مهمترین مبنای طرح فرهنگی است

روز عرفه که بزرگترین رحم زمانی است. در روایت آمده که خدا می گوید قبل از اینکه من به زائران خانه خودم نگاه بکنم به زائران امام حسین (علیه السلام) نگاه می کنم. دلیلش این است که اگر الله بدون ولی و انسان کامل شناخته شود، حج دیگر حج نمی شود. برای همین حضرت فرمودند: «تَمَامُ الْحَجِّ لِقَاءُ الْإِمَامِ» حاجی که بعد از زیارت خانه خدا به محضر معصوم نرسد حجش به درد نمی خورد. لذا مدینه دومی ها یک حالی دیگر دارند بعد از خدا خدمت معصوم می آیند. خدمت پیغمبر، ائمه، بقیع تا نیابند پیش امام در زمان، که حتی در زمان حیات شان هم همینطور بود. می فرمودند: حاجی که بعدش نیاید با ما بیعت بکند حجش دیگر به درد نمی خورد. چون آن حج می طلبد بعد از اینکه با خدا ارتباط داشتی حالا که می خواهی اوج بگیری باید خدمت معصوم بیایی. لذا خدا معصوم را می آورد در خانه خودش متولد می

کند. اولین امام و معصوم را می آورد در خانه خودش متولد می کند. خلیفه الله را. رسول را نه، که کارش نازکشی و کارش تبلیغ است. امام را خانه خودش متولد می کند که بگوید باطن کعبه و باطن توحید ولایت است. بدون انسان کامل کعبه فایده ندارد و بدون انسان کامل الله موهوم است. چون خدا مطلق است و تا مطلق ظهور نکند ارتباط با تو برایش امکان پذیر نیست.

مثل اینکه بگوئیم انرژی، انرژی مطلق است چه کسی می تواند بگوید من تا به حال با انرژی رابطه داشتم انرژی را دیدم هیچ کس. می گوید این سد دارد حرکت می کند می گوئیم این انرژی حرکتی است. می گوئیم این انرژی تبدیل شده به گرما تا ظهور نکند شما نمی توانید با انرژی ارتباط برقرار کنید. انرژی یک امر مطلق است چه کسی می تواند بگوید من تا به حال صوت را شنیدم مطلق است دیگر صوت را تولید کردم نمی توانی. صوت به محض اینکه تولید بشود یا شنیده بشود اول باید برود در قالب فرکانس تا فرکانس نگیرد مسموع نمی تواند باشد. ما با مطلق بدون ظهور نمی توانیم ارتباط برقرار کنیم. ظهور مقدر اینجاست که شما به تقدیر و قدر احتیاج پیدا می کنید. «كُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ» [آیه ۸ سوره رعد] «قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» [آیه ۳ سوره طلاق] شب قدر می گذارد برایت که تو در قدر از ملائکه که می آیند خودتان را به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برسانید. لذا یک کسی که ادعای توحید می کند و آرمان مهدوی ندارد شوخی می کند اصلاً خودش را نشناخته یک کسی که ادعای دین کند و برای ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) جهاد نکند تلاش نکند این فقط دارد شوخی می کند اصلاً خودش را نشناخته.

یک کسی بگوید (إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ) و فعال در مهدویت نباشد فعال در آرمان امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نباشد برای برطرف کردن موانع امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) جهاد نکند تلاش نکند وقت نگذارد تلاش نکند هزینه نکند هزینه های مختلف این دارد دروغ می گوید. اگر نگوییم دروغ می گوید یعنی خودش را نشناخته است. این یک مرحله، نصف طرح است.

بزرگترین رسالت در برقراری حکومت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، کار فرهنگی است

بزرگترین رسالت ما برای رسیدن به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و برای برقراری حکومت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، کار فرهنگی است؛ تبلیغ و کار فرهنگی در داخل و در خارج. چون همه باید با یک محتوا خودشان را به آنجا برسانند. همه باید اول خود و مردم را به خودشان بشناسانند تا به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برسند.



بنیاد فرهنگی تربیتی ضیاء الصالحین

www.Ziaossalehin.ir